

سوریه: جنگ علیه توسعه و دموکراسی

این مقاله در [هافینگتون پست 7 ژانویه 2014](#) منتشر شده است

گزارش "[جنگ علیه توسعه](#)" که به سفارش آژانس امداد و کار آوارگان فلسطینی و برنامه توسعه سازمان ملل صورت گرفته، تصویر زیر را از سوریه پس از 1000 روز جنگ ارائه می کند:

بیش از 100 هزار کشته، 400 هزار زخمی، یک سوم جمعیت (حدود 8 میلیون نفر) آواره و مهاجر، فقیر شدن نیمی از جمعیت کشور (که 4 میلیون و 400 هزار تن از آنان در فقر مطلق به سر می برند)، نرخ بیکاری 48/6، نرخ ترک تحصیل 49 درصد، نابودی 3 هزار مدرسه، تبدیل 683 مدرسه به محل پناهگاه آوارگان، نابودی و غیرقابل استفاده و ناامن شدن 1280 بیمارستان، وجود یک پزشک به ازای هر 4 هزار تن (قبل از آغاز جنگ به ازای هر 661 نفر یک پزشک وجود داشت)، 103 میلیارد دلار خسارات اقتصادی تا نیمه سال 2013، نابودی اقتصاد رسمی و رشد اقتصاد غیر رسمی (رانت جویانه، مجرمانه، فاسد و مبتنی بر خشونت)، و...

[مرکز حقوق بشر ایوزیسیون سوریه در لندن](#)، تعداد کشته شدگان را بیش از 130 هزار نفر اعلام کرد. کمیته بین المللی صلیب سرخ، تعداد زخمی ها را [نیم میلیون نفر](#) به شمار آورده است.

در این جنگ، به گزارش مکرر سازمان ملل، طرفین مرتکب "جنایات جنگی" و "جنایت علیه بشریت" شده اند. به گزارش 82 صفحه ای سازمان ملل که در 12 دسامبر منتشر شد، [طرفین بارها از سلاح های شیمیایی استفاده کرده اند](#).

علل نابودی سوریه

چرا سوریه به این وضعیت دچار شد؟

یکم- استبداد و سرکوب: رژیم سکولار بعثی سوریه، رژیمی استبدادی و جنایتکار است. دیکتاتوری و جنایت، متغیری مهم در تبیین وضعیت کنونی سوریه اند. نارضایتی مردم سرکوب شده، در جایی به "اعتراض سیاسی" تبدیل می شود. اما اگر رژیم استبدادی "توان" و "اراده" سرکوب اعتراضات سیاسی را داشته باشد، می تواند به بهای کشتار مردم و ویرانی کشور مدتی به بقای خود ادامه دهد. بدین ترتیب، بشار اسد که **خواست و توان** سرکوب داشت، می توانست. به شرط آن که مخالفان و کشورهای خارجی به جنگ روی نمی آوردند. از آن مرحله گذر کند تا سوریه به این وضعیت نیفتد.

دوم- توطئه دولت های خارجی: باید دو اصطلاح "تئوری توطئه" و "توطئه گری در سیاست" را از یکدیگر تفکیک کرد. تئوری توطئه، همه مسائل و مشکلات عالم را به گردن یک مرکز یا مراکز خاص می اندازد. اما در سیاست توطئه وجود دارد و اکثر دولت ها- براساس توانشان- در حال توطئه گری علیه دیگران و بسط هژمونی خود هستند. سوریه را توطئه های دولت های غربی، عربی، ترکیه، اسرائیل و...

به این روز انداخت. آنان با بهانه کردن سرکوب های وحشیانه رژیم سکولار سوریه، اعلام کردند که بشار اسد باید برود. برای رسیدن به این مقصود، نه تنها کمک های مالی و تسلیحاتی فراوانی در اختیار مخالفان قرار دادند، بلکه مانع از گسیل رزمندگان جهادی افراطی از سراسر جهان به سوریه نشدند. دولت اسرائیل نیز فقط در سال 2013 چهار بار به سوریه حمله کرد (لینک های 1 و 2 و 3).

سوم- جنگ نیابتی: جنگ داخلی سوریه، جنگ نیابتی است. در این جنگ، روسیه، چین، ایران و حزب الله لبنان به شدت از رژیم سوریه حمایت به عمل آوردند، و آمریکا، کشورهای قدرتمند اروپایی، ترکیه، کشورهای عربی از مخالفان حمایت به عمل آورده و برای سرنگونی رژیم از هیچ کوششی دریغ نکرده اند.

قطع "نفوذ ایران" در سوریه، هدف مشترک عربستان سعودی، اسرائیل و آمریکا بود. هیلاری کلینتون در 6 دسامبر 2011 **گفت** که هدف او و آمریکا از بین بردن نفوذ ایران در سوریه است. آمریکا می خواهد تعادل قوا در خاور میانه را به سود خود برهم زده و اگر بتواند نفوذ ایران در سوریه را از بین ببرد، یک دستاورد بزرگ برای آن کشور خواهد بود.

روزنامه ی وال استریت ژورنال ۹۲/۱/۲ از افزایش فعالیت های سازمان CIA در سوریه خبر داده بود که چگونه از نیروهای مسلح همسوی با خود حمایت به عمل می آورد. به نوشته ی **روزنامه ی نیویورک تایمز** ۹۲/۱/۴، با هماهنگی سازمان CIA فقط در سال ۲۰۱۲، بیش از ۳۵۰۰ تن تسلیحات از سوی دولت ها در اختیار مخالفان رژیم جبار سوریه قرار گرفت.

هدف این جنگ نیابتی هم گذار به دموکراسی و بهبود وضعیت حقوق بشر نبود. اولاً: رژیم های دیکتاتور فاسدی چون عربستان سعودی، بحرین، امارات و...، بیشترین فاصله را با دموکراسی و حقوق بشر دارند. ثانیاً: با جنگ داخلی در کشوری به راه انداختن و نابودی آن کشور، نمی توان به دموکراسی و حقوق بشر دست یافت. دموکراسی و حقوق بشر **همبستگی بالایی** با توسعه یافتگی دارند. "**جنگ علیه توسعه**"، معنایی جز جنگ علیه دموکراسی و آزادی و حقوق بشر ندارد.

وضعیت سیاسی فعلی

توازن قوا در سوریه ویران شده کنونی به نحو زیر است:

یکم- رشد القاعده و گروه های متحدش: مرکز بین المللی مطالعه درباره گروه های تندرو **گزارش داده** که سوریه به مرکز تروریست های 70 کشور جهان تبدیل شده است. اکثر این افراد در چارچوب گروه های جبهه النصره، داعش (دولت اسلامی در عراق و شام) به کار گرفته شده اند که هر دو با القاعده مرتبط هستند.

سازمان عفو بین الملل در **گزارش 18 دسامبر** خود از ترکیه و کشورهای خلیج فارس می خواهد تا ارسال سلاح و کمک به گروه های اسلام گرا را متوقف سازند. گروه های تندرو اسلام گرا- همچون القاعده- به

شدت در سوریه رشد کرده اند. اکثر این گروه ها مورد حمایت مالی و تسلیحاتی عربستان سعودی قرار دارند.

دوم- ارتش آزاد سوریه: این گروه توسط گروه های اسلام گرا به حاشیه رانده شد. در آخرین مرحله، محل و تسلیحات آن توسط گروهی که عربستان سعودی راه انداخته تسخیر شد و رهبرش- سلیم ادريس- نیز به قطر گریخت. المانیتور مدعی است که ارتش آزاد سوریه به کلی از میان رفته و حتی رهبر آن گفته که حاضر است برای مقابله با تندروهای اسلام گرا به رژیم بپیوندد.

سوم- اخوان المسلمین: ترکیه، قطر، مصر دوران مرسی و گروه حماس از اخوان المسلمین سوریه حمایت به عمل می آوردند. اما عربستان سعودی با حمایت از کودتای مصر؛ قطر، ترکیه و به طور طبیعی اخوان المسلمین را هم به حاشیه راند.

چهارم- جبهه اسلامی عربستان سعودی: شاهزاده بندر رهبری سیاست های تغییر ساختار منطقه ای عربستان سعودی را در دست دارد. شاهزاده بندر در دو سطح دولتی و بخش خصوصی عمل می کند. دولت عربستان سعودی "جبهه اسلامی" سلفی را به راه انداخته و توسط آن گروه سیاست های خود را در سوریه دنبال می کند. "جبهه اسلامی" از اتحاد هفت گروه پدید آمد (فیلم اعلام تشکیل جبهه اسلامی). اما شاهزاده بندر، کنترل گروه های القاعده ای سوریه را هم به اصطلاح از طریق بخش خصوصی کشورش در اختیار دارد.

پنجم- پیش روی های رژیم بشار اسد: در ماه های اول جنگ، دولت های غربی، عربی، ترکیه و اسرائیل، مست از باده پیروزی لیبی، سقوط سریع بشار اسد توسط مخالفان مورد حمایت خود را بارها و بارها پیش بینی کرده و می گفتند او باید برود. در اوت 2011 شیمون پرز و نتانیا هو گفتند: "اسد باید برود". ایهود باراک- وزیر دفاع وقت اسرائیل- در دسامبر 2011 گفت که اسد "ظرف چند هفته" خواهد رفت.

بی بی سی در 20 جولای 2012 نوشت که اسد تا 30 روز دیگر می رود. پس از ترور نزدیکان اسد، در 21 جولای 2012 اکونومیست نوشت که اسد بزودی خواهد رفت. ال مانیتور در ژانویه 2013 نوشت که در روزهای پایانی سال 2012، همه پیش بینی می کردند که اسد تا ماه مارس ۲۰۱۳ سرنگون خواهد شد. اوپاما در 22 مارس در یک کنفرانس خبری در امان با پادشاه اردن گفت: "من مطمئن هستم که اسد می رود. بحث بر سر رفتن یا نرفتن او نیست، بحث بر سر زمان این امر است". اوپاما و اردوغان در 16 می 2013 در ترکیه گفتند اسد باید برود. اوپاما و اردوغان در 13 سپتامبر 2013 گفتند "اسد باید برود".

اما رژیم اسد سرنگون نشد و مقامات آمریکایی اینک گفته اند: "ارزیابی های اطلاعاتی که زمانی نشان می دادند بشار اسد در آستانه شکست است اکنون می گویند او می تواند در آینده پیش رو زمام امور در بخش های کلیدی کشور سوریه در مرز با لبنان و سواحل مدیترانه را در دست داشته باشد".

راه حل ها

عربستان سعودی مهمترین کشوری است که همچنان به دنبال سرنگونی رژیم سکولار اسد از طریق جنگ و برکشیدن نیروهای اسلام گرای سلفی دست ساخت خود در سوریه است. عربستان سعودی و متحدانش نزاع دیکتاتوری و دموکراسی در منطقه را به جنگ شیعه و سنی تبدیل کرده اند.

قطر در گذشته از تأمین کنندگان اصلی کمک های مالی (حداقل 3 میلیارد دلار) و تسلیحاتی نیروهای اخوان المسلمین سوریه در جنگ علیه بشار اسد بود. اما خالد بن محمد العطیه- وزیر خارجه قطر- در 20 دسامبر تاکید کرد که کشورش تنها از راه حل سیاسی در بحران سوریه حمایت خواهد کرد و به جز راه حل سیاسی هیچ راه حلی برای خروج از بحران سوریه وجود ندارد. امیر قطر هم از اخوان المسلمین خواسته که در ژنو 2 شرکت کنند.

ترس از پیروزی گروه های اسلام گرای سلفی و همپیمانان القاعده، دولت های غربی را در حمایت از مخالفان به تردید جدی انداخته است. پس از این همه فجایع، نیویورک تایمز 3 دسامبر نوشته که هر دو سمت جنگ در سوریه بتدریج به این نتیجه رسیده اند که اسد بهتر است بماند. به گزارش رویترز، مقامات غربی به برخی از رهبران شورشیان اطلاع داده اند که مذاکرات صلح ژنو لزوماً به معنای کنار گذاشتن بشار اسد از قدرت نیست، برای این که با رفتن او آشوب کامل بر سوریه حکمفرما خواهد شد، و گروه های تندرو اسلامی قدرت را در دست خواهند گرفت. حتی گفته شده که اسد مجاز است در انتخابات آینده ریاست جمهوری شرکت کند.

در عین حال، به نوشته فارن پالیسی، دولت آمریکا در حال بررسی برقراری روابط نزدیک تر با گروه های تندرو اسلامی است. به گزارش واشنگتن پست دولت اواما مایل است- به شرط عدم ارتباط و اتحاد با القاعده- گروه های اسلام گرای افراطی در ائتلاف سوریه شرکت کنند، ولی گروه های یاد شده این شرط را نپذیرفته اند.

بن بست فعلی، راه حل های سیاسی را دوباره برجسته ساخته است. اما اگر حتی همه گروه ها و دولت ها بر سر راه حل سیاسی توافق کنند، این جنگی نیست که به سادگی تمام شده و ثبات و صلح بر منطقه حکمفرما شود. جنگ سوریه، القاعده عراق را زنده کرد. آنان با تشکیل گروه داعش (دولت اسلامی عراق و شام) فعالیت های خود را به شدت گسترش داده اند. به گزارش سازمان ملل در سال 2013 در عراق 8868 تن به دست گروه هایی چون القاعده کشته شده اند. جنگ سوریه پیامدهای خود را در لبنان هم از طریق انفجارهای تروریستی پیاپی آشکار کرده است.

نابودی سوریه محصول استراتژی تغییر رژیم از بیرون از طریق دخالت نظامی بود. اگر درسی از 130 هزار کشته، نیم میلیون زخمی و 8 میلیون انسان آواره باید گرفت، این درس است که این فاجعه محصول استراتژی تغییر رژیم از طریق مداخله نظامی خارجی است.

تنها امید و انتظار نیروهای دموکراسی خواه در شرایط کنونی، برقراری آتش بس همه جانبه، آغاز گفت و گوی های سیاسی، خروج کلیه نیروهای خارجی (خصوصاً تروریست های اسلام گرا)، به رسمیت

شناختن حقوق شهروندی و سیاسی کلیه اقلیت های قومی و مذهبی و جنسی است تا شاید راه انتخابات آزاد تحت نظارت سازمان ملل گشوده شود و هیچ کس شاهد حکومت اسلامی افراطی دیگری نباشد.